



طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ادبیات فارسی بر اساس

نظریه فرمالیسم

"Designing a Conceptual Framework for Assessing the Literary (Rhetorical) Value of Persian Literature Textbooks Based on Formalist Theory"

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

F. Yousefi

F. Kashavazi (Ph.D)

فاطمه یوسفی^۱

رحمت اله مرزوقی^۲

R. Marzoghi (Ph.D)

M. Mohammadi (Ph.D)

مهدی محمدی^۳

اکبر صیادکوه^۴

A. Sayadkouh (Ph.D)

Abstract: The present study aims to design a conceptual framework for assessing the literary value of Persian literature textbooks in the first secondary education cycle based on formalist theory. Employing a qualitative approach, the research was conducted using Cooper's six-stage integrative review method. Forty relevant studies were selected as the basis for analysis and review. The findings indicate that the overarching theme of "literary value assessment" is subdivided into 12 organizing themes and 83 basic themes. The validity of the data was confirmed through scientific methods. The main themes include syntactic, lexical, phonological, semantic, and orthographic norm violations, all of which directly impact the literary value of the texts. Furthermore, lexical norm enhancement through rhetorical devices such as alliteration and embellishments contribute to the improvement of the rhetorical and aesthetic value of the texts. The outcome of this research is the presentation of a rigorous and scientific framework for evaluating literary texts in textbooks, which can play an effective role in enhancing students' literary experiences.

چکیده: مقاله حاضر با هدف طراحی چارچوب مفهومی برای سنجش ارزش ادبی کتب درسی ادبیات فارسی دوره اول متوسطه، به صورت کیفی و با استفاده از روش مرور تلفیقی شش مرحله‌ای کوپر انجام شده است. در این مطالعه، ۴۰ پژوهش مرتبط به عنوان مبنای تحلیل انتخاب و بررسی شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که زیر مضمون فراگیر «سنجش ارزش ادبی» به ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۸۳ مضمون پایه تقسیم شده است. اعتبار داده‌ها از طریق روش‌های علمی تأیید شد. مضامین اصلی شامل هنجارگریزی‌های نحوی، واژگانی، آوایی، معنایی و نوشتاری است که مستقیماً بر ارزش ادبی متون تأثیرگذارند. افزون بر این، هنجارافزایی واژگانی با استفاده از عناصر بلاغی مانند سجع و ترصیعات، به بهبود ارزش بلاغی و زیبایی‌شناسی متون کمک می‌کند. دستاورد این پژوهش، ارائه چارچوبی علمی و دقیق برای ارزیابی متون ادبی کتب درسی است که می‌تواند در ارتقاء تجربه‌های ادبی دانش‌آموزان نقش مؤثری ایفا کند.

Keywords: Persian literature, literary value, textbooks, first secondary education, formalist criticism, defamiliarization, integrative review

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، ارزش ادبی، کتب درسی، متوسطه اول، نقدفرمالیستی، آشنایی زدایی، مرور تلفیقی.

Fatemehy808@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

fahimehkishavarz@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

rmarzoghi@yahoo.com

۳. استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۴. استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

m48r52@gmail.com

Ak-sayad@yahoo.com

۵. استاد، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

مقدمه

ادبیات همدلی را بر می‌انگیزد و به مردم و به زندگی و دیگران نگاهی نو می‌بخشد و عدم توجه به اهمیت و جایگاه ادبیات غنی در برنامه‌های درسی، بستر معضلات بزرگی اعم از رکود فرهنگی و ضعف در مهارت‌های ارتباطی و خود بیانگری دانش‌آموزان خواهد داشت (B.Satish Reddy, 2021:3) به عبارتی در دنیای امروز چیزی که ما را به کلیت انسانی‌مان رهنمون می‌سازد، در ادبیات نهفته است. این نگرش وحدت‌بخش، این کلام کلیت بخش، نه در فلسفه یافت می‌شود نه در تاریخ، و نه در هنر و نه بی‌گمان در علوم اجتماعی. علت وجودی ادبیات، غنا بخشیدن به کل زندگی آدمی است و این معنی آن کلام پروست^۱ است که گفت: «زندگی واقعی، که سرانجام در روشنایی آشکار می‌شود، و تنها زندگی که به‌راستی زیسته می‌شود، ادبیات است» (Vargas Llosa, 2001: 11 و 12). ادبیات ما را تشویق می‌کند که هر لحظه را یک لحظه اخلاقی ببینیم که بر دیگر جوانب زندگی ما تأثیر می‌گذارد (Young, J. J., & Annisette, 2009: 2). لوین بر تلاش برای بازپس‌گیری زیبایی‌شناسی به‌عنوان قلمروی نسبتاً عاری از نقص ایدئولوژیک و سیاست، به‌عنوان یکی از محدود فضاها باز و آزاد تلاش می‌کند و معتقد است که زیبایی‌شناسی باید قلمروی باشد که اعمال بی‌علاقگی و غیرشخصی بودن (بی‌طرفی و عدم‌سوگیری) را ممکن سازد، در واقع امکان همدردی و درک افراد و رویدادها و بخشیدن احساس حیاتی از دیگران^۲ را فراهم سازد (Habib, 2011: 283). اما استدلال‌های تعدادی از منتقدان مارکسیست و پساساختارگرا، در عین تفاوت‌های گوناگون، دیدگاه‌های مشترکی مطرح کرده‌اند، اینکه ادبیات، ذات یا جوهری نیست که مستقل از نحوه خواندن در متن متعارف وجود داشته باشد و ارزش متن به ساخت‌وساز نهادی و ایدئولوژیک آن است (Easthope, 2008). در این راستا آیا معیارهای عینی وجود دارد که داوری آثار ادبی را میسر سازد؟ یا باید گفت این داوری‌ها اموری کاملاً ذوقی و سلیقه‌ای است. اگر داوری‌ها فردی و به عبارتی سلیقه‌ای باشد، چگونه است که برخی آثار ماندگار و جهانی می‌شوند و برخی گرد فراموشی می‌گیرند؟ و چگونه خیل عظیمی از خوانندگان و منتقدین، اثری ادبی را متعالی و ناب،

۱. نویسنده و مقاله‌نویس شهیر فرانسوی

داوری می‌کنند؟ ارزیابی یک متن ادبی به طور طبیعی افراد را درگیر و علاقه‌مند می‌کند. با این حال، اطلاعات کمی درباره نحوه انجام این فرایندهای داوری وجود دارد (van Peer, 2008). به عبارتی معیارهایی برای قضاوت، گذشته از ذهنی یا عینی بودن آنها وجود دارد (Du et al, 2022 & Mekonen, 2022). درحالی‌که این سؤال مطرح است که چگونه باید ادبیات را ارزش‌گذاری کرد؟ شک洛夫سکی^۱ ادبیات را به معنی استفاده از کلمات در خلق معماها و یا اشارات همراه با شور و اشتیاق می‌داند و این تعریف بیانگر این سخن اوست که: «هنر راهی برای تجربه هنرمندانه بودن یک موضوع است و در واقع موضوع مهم نیست و از اینجاست که او مفهوم آشنایی‌زدایی را مطرح می‌کند» (Easthope, 2008).

بنابراین ادبیات، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی، نقش انکارناپذیری در تربیت انسان و پرورش نگرش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناسانه دارد. تأثیر ادبیات فراتر از لذت بردن صرف است و می‌تواند انسان‌ها را به همدلی، تأمل و نگرشی نو به زندگی و دیگران سوق دهد. با این حال، در نظام‌های آموزشی، به‌ویژه در کتب درسی، غالباً از ارزش‌های ادبی غفلت می‌شود یا این ارزش‌ها با معیارهای نامشخص و سلیقه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند به رکود فرهنگی، ضعف در مهارت‌های ارتباطی و ناتوانی در خودبیانگری دانش‌آموزان منجر شود.

از سوی دیگر، بحث پیرامون معیارهای ارزش‌گذاری متون ادبی، از دیرباز دغدغه منتقدان و نظریه‌پردازان بوده است. برخی بر جنبه‌های محتوایی و پیام‌های اخلاقی تأکید دارند، درحالی‌که گروهی دیگر، به‌ویژه فرمالیست‌ها، بر عناصر شکلی و ساختاری متن به عنوان معیارهای اصلی ارزش‌گذاری تأکید می‌کنند. نظریه فرمالیسم و مفهوم آشنایی‌زدایی که توسط ویکتور شک洛夫سکی مطرح شد، بر این باور است که ادبیات، با شکستن قواعد زبانی متعارف و خلق ساختارهای جدید، تجربه‌ای تازه و متفاوت از جهان ارائه می‌دهد. این نظریه می‌تواند به عنوان چارچوبی مؤثر برای سنجش ارزش ادبی متون به کار گرفته شود و از نگاه صرفاً سلیقه‌ای به متون جلوگیری کند. در این راستا، ارزیابی متون ادبی کتب درسی فارسی دوره متوسطه اول، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع آموزشی دانش‌آموزان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش در تلاش است تا با بهره‌گیری از نظریه فرمالیسم و اصول آشنایی‌زدایی، چارچوبی

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ...

مفهومی برای سنجش ارزش ادبی این متون ارائه دهد. چنین چارچوبی می‌تواند ضمن شفاف‌سازی معیارهای ارزیابی، به بهبود کیفیت محتوای آموزشی و تقویت مهارت‌های ادبی دانش‌آموزان کمک کند و زمینه‌ساز تغییرات مثبت در برنامه‌های درسی و شیوه‌های تدریس معلمان باشد.

در باب ضرورت انجام این پژوهش شاید استناد به این گفته از ادموندسون (به نقل از Wallek و Warren، 1968) راهگشا باشد که او در واقع ادبیات را با کاربرد مهم آن در آموزش برای زندگی اهمیت می‌دهد. عمدتاً از دل این آثار می‌توان فلسفه زندگی را استخراج کرد و اینجاست که ظرفیت آموزنده ادبیات بر توانایی آن در لذت بردن به‌عنوان نقشی فرعی پیشی می‌گیرد. بر این اساس انجام چنین پژوهشی از **حیث نظری و پژوهشی**، می‌تواند در کاستن از خلأهای مطالعاتی در زمینه ارزش‌های ادبی کتب درسی ادبیات فارسی، نقش مؤثری داشته باشد. همچنین با بازبینی و بررسی محتوای منظوم و منثور در کتاب‌های درسی، می‌توان نسبت به وضعیت موجود ارزش‌های ادبی در کتب ادبیات فارسی آگاهی و اشراف مناسبی حاصل کرد و با درک اهمیت و جایگاه ادبیات فارسی خصوصاً در دوره متوسطه، نوسازی و بهسازی‌هایی در برنامه‌های درسی ادبیات فارسی ارائه نمود. از **حیث کاربردی نیز انجام** این پژوهش، همچنین می‌تواند زمینه‌ای باشد، در ارتقای کیفیت محتوای کتب درسی توسط نویسندگان و مؤلفین کتب درسی که دست‌اندرکار تهیه محتوای کتاب‌های درسی، طراحی مواد آموزشی مناسب و طراحی کتاب‌های راهنمای معلمان هستند. همچنین به معلمان که مجریان اصلی برنامه‌های درسی هستند، در زمینه درک بهتر ارزش‌های ادبی و ابعاد متنوع آن و نحوه کاربست آن در کلاس درس جهت تدریس بهتر و اثربخش‌تر ارزش‌ها در اذهان دانش‌آموزان و بهبود درک کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه در آنان کمک نماید.

مبانی نظری

از نظر دیویی تخیل در هسته یک تحقیق اخلاقی در بستر ادبیات میسر می‌شود (Young، 2009). در واقع این دیدگاه در مورد هستی اخلاقی، اهمیت پرورش تخیل اخلاقی را به‌منظور گسترش خود به فراسوی محدودیت‌های زندگی روزمره و کاوش در دیگر الگوهای زندگی و سایر امکانات نشان می‌دهد (Dewey، 1983؛ fesmire، 1937؛ Jonson، 1993 و werhane، 1999 به نقل از Young، J. J.، & Annisette، 2009). دیویی هنر را تقلید نمی‌داند؛ بلکه آن را

آفرینش از راه تخیل می‌داند (Pourhosseini, emani & sajadi, 2014). به عبارتی ادبیات به رشد عاطفی و پرورش نگرش‌های مثبت بین‌فردی کمک می‌کند، ارزش‌ها و نگرش‌هایی که خارج از کلاس درس و در محیط زندگی به کار می‌آیند. علاوه بر رشد توانایی‌های زبانی برای کودکان، انتخاب‌های ادبی در ارائه اطلاعات فرهنگی معتبر، کمک به مهارت‌های تفکر انتقادی و تأکید بر سنت‌های تاریخی و ادبی می‌کند (viorla, 2015).

ادبیات و فلسفه پتانسیل بالایی در آموزش آزادی و روبروشدن با معضلات اخلاقی، سیاسی را دارد (Martha, nussbaum, 1944 به نقل از Habib, 2011: 282). جان دیویی^۱ ادراکات زیبایی‌شناختی را مؤلفه‌های ضروری نیک‌بختی و شادکامی می‌داند (Dewey, 1934: 22). علاوه بر پرورش ذهن ادبی، تفکر انتقادی و مهارت‌های ارتباطی را در طرح‌ریزی رشته زبان و ادبیات حائز اهمیت می‌دانند (Molodi, 2018: 18-19). بهره‌گیری از برخی شیوه‌های آموزش، در ادبیات، مانند رویکرد مجموعه‌ای (پیکره‌ای^۲)، در شناسایی، توصیف، تعمیم، سازماندهی، مقایسه و در نهایت ارزش دادن به ادبیات حائز اهمیت است و استقلال انتقادی^۳ دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد (Zyngier, 2008: 186-187). برای توجیه ادبیات به‌عنوان موضوعی آموزشی، یکی از تلاش‌های رایج فهرست کردن مهارت‌هایی است که در جهان امروز ضروری دانسته می‌شود و خواندن و نوشتن در مورد آثار ادبی از جمله شیوه‌های کسب آن‌هاست. مهارت تفسیر، حل مسئله، ارتباطات کلامی و نوشتاری، استدلال مستند، و تفکر انتقادی برخی از این مهارت‌هاست (Branze, 2011: 34).

پژوهش‌های اندکی به بررسی ارزش ادبی و معیارها و ملاک‌های آن در حوزه ادبیات پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها، و در کشور ایران، به فواید کاربرد کلمات کهن فارسی و تازگی‌های لغوی، جملات ادبی و مسجع، توانا بودن در تکنیک‌های داستان‌پردازی، به‌کارگیری صور خیالی چون تشبیه، مجاز، استعاره و تشخیص به همراه صنایع بدیعی چون جناس تام، و محرف (mahmodi, 2012)، یا سطح بلاغی و اندیشه/سطوح ایدئولوژیک، حضور و کاربست مفاهیم فکری فلسفه پسامدرن در درون سازه زبانی رمان‌های فارسی حوزه ادبی ایران پرداخته شده است (Rahim Beigi, 2016). همچنین زارعی در سال 2021 در پژوهش خود به این

1. Dewey john
2. corpus approach
3. critical independence
۲۳۹

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ... نتیجه دست‌یافته است که در کتاب فارسی که انتظار می‌رود اصول زیبایی‌شناسی در آن باشد، حتی نیمی از کتاب نیز به آن اختصاص داده نشده است و توزیع اصول ساحت زیبایی‌شناختی و هنری نیز در کتاب به یک میزان صورت نگرفته است. به عبارتی کتاب‌درسی به سختی می‌تواند زمینه‌های پرورش خیال را که شامل صور خیال هستند؛ تشخیص دهند. معیار خاصی در انتخاب و تدوین این متون برای دانش‌آموزان گروه‌های مختلف سنی وجود ندارد. به عبارتی، ارزشمند بودن خود متن ادبیات مبنایی است برای قراردادن این متون در کتب درسی بدون آن که ارزش ادبی این متون برای گروه‌های خاص سنی دانش‌آموزان ارزیابی و بر اساس آن نسبت به قراردادن یک متن در کتاب درسی یک دوره تصمیم گرفته شود (mahmodi, 2012). در دوران پس از انقلاب بیشتر بر موضوع انقلاب، جنگ و در مرحله دوم تغییرات خود بر محیط و جغرافیای ایران متمرکز بوده و به افزودن متون ادبی جهانی توجه چندانی نشده است (maghsodi, 2014).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و از نوع فراترکیب بوده که با استفاده از روش شش مرحله‌ای مرور تلفیقی کوپر (1984) انجام شده است (Creswell et. Al, 2007). مراحل این روش شامل: (۱) تدوین اهداف و سؤالات پژوهش، (۲) جستجوی سیستماتیک و انتخاب ادبیات مرتبط، (۳) ارزیابی کیفیت، (۴) تجزیه، تحلیل و تلفیق، (۵) بحث و نتیجه‌گیری، (۶) انتشار یافته‌ها است. به دلیل پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های ویژه‌ی روش فراترکیب، از گروهی از محققان با تجربه و دارای مهارت‌های مختلف در این پژوهش بهره گرفته شد، به گونه‌ای که ارتباط، مشاوره و بحث پیرامون روند کار به طور مستمر بین آنها در جریان بود. همچنین یک کتابدار مرجع در تیم فراترکیب به عنوان یک متخصص جستجوی پیشینه موضوع، که می‌تواند تا ۵۰ درصد نتایج جستجو شده توسط محققان را افزایش دهد، حضور داشت. تجربه در تحلیل پژوهش‌های کیفی، تبحر در تحلیل و درک نظریه‌ها، علاقه به پدیده‌ی مورد نظر، انجام مطالعات قبلی در این زمینه و متعهد به صرف زمان و انرژی لازم برای انجام فراترکیب همگی مولفه‌هایی که مورد توجه قرار گرفت.



گام‌های فراترکیب

مرحله اول: تدوین اهداف و سؤالات پژوهش

هدف پژوهش: هدف این مطالعه طراحی چارچوب سنجش ارزش‌های ادبی کتب درسی ادبیات فارسی بر اساس نظریه فرمالیست بود.

سؤال پژوهش: ارزش ادبی کتب درسی ادبیات فارسی در دوره متوسطه شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

مرحله دوم: جستجوی سیستماتیک و انتخاب پیشینه

روش‌های استخراج داده‌ها و استراتژی‌های جستجو، منابع فارسی و انگلیسی بود. یک کتابدار واجد شرایط بر انتخاب پایگاه‌های داده و روش‌های جستجو در آنها نظارت داشت. کلمات کلیدی در پایگاه‌های انگلیسی واژه 'literary value' با واژه‌های artistic value, intellectual value, literary merit, literary sense, deep value, educated estimate, and literary quality, literary measures, education, textbook, High School و در پایگاه‌های فارسی واژه «ارزش ادبی»، «ادبیات متون»، «نقد ادبی» با واژه‌های کتاب‌درسی، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان، ادبیات فارسی و دوره متوسطه برای یافتن محتوای مرتبط استفاده شد. ابتدا تعدادی از عناوین مقاله برای انتخاب مطالعات مرتبط در این زمینه در نظر گرفته شد. سپس، مقالاتی که به طور خاص به ارزش ادبی کتب ادبیات فارسی پرداخته‌اند، انتخاب و در نهایت، چکیده مقالات منتخب مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع مطالعات کمی و کیفی و خاکستری در حوزه ارزش‌های ادبی کتب درسی صورت گرفت. لیست کامل مقالات مربوطه گردآوری در جدول آورده شد. جدول شماره ۱ اطلاعاتی در مورد پایگاه داده‌های مورد استفاده و روش‌های جستجو ارائه می‌دهد.

جدول ۱- جزئیات فرایند جستجو و استراتژی‌های گزارش‌دهی

پایگاه‌های اطلاعاتی و استنادی مورد جستجو	اسکوپوس، اشپرینگر، وایلی آنالین، الزویرو گوگل اسکالر
کلیدواژه‌های جستجو	«ارزش ادبی»، ادبیات متون، نقد ادبی، کتاب‌درسی، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان، ادبیات فارسی و دوره متوسطه
	literary value, artistic value, intellectual value, literary merit, literary sense, deep value, educated estimate,

پایگاه‌های اطلاعاتی و استنادی مورد جستجو		اسکوپوس، اشپرینگر، وایلی آنالین، الزیویرو گوگل اسکالر
and literary quality, literary measures, education, textbook, High School		
جستجو در	عنوان مقاله، چکیده، کلمات کلیدی	
محدودیت در حوزه مطالعاتی ^۱	علوم اجتماعی، علوم انسانی، ادبیات فارسی	
محدودیت در بازه زمانی ^۲	از ۲۰۰۰ تا کنون	
محدودیت در نوع سند ^۳	مقالات، پایان‌نامه و رساله‌ها، کلیه منابع خاکستری	
نوع دسترسی ^۴	همه	

به منظور افزایش اعتبار جستجو، در تمام مراحل فرایند فراترکیب، از روش جستجوی دست چینی منابع نیز استفاده شد، زیرا برخی پژوهش‌های مرتبط، به دلایل مختلف از جمله عدم استفاده از واژه‌های کلیدی استاندارد، در جستجوی آنالین پایگاه‌ها یافت نمی‌شد.

معیارهای شمول مقالات در بازنگری به صورت زیر تعیین گردید:

۱. مقالاتی که در مجلات معتبر بین المللی با چند بازنگر^۵ چاپ شده باشند؛
۲. مقالاتی که با روش کیفی انجام شده‌اند و یا مقالات با روش ترکیبی که نتایج کیفی و کمی؛ خاکستری آنها از یکدیگر قابل تفکیک باشند. جدول شماره ۲ نحوه جستجو و استراتژی‌های گزارش‌دهی را نشان می‌دهد.

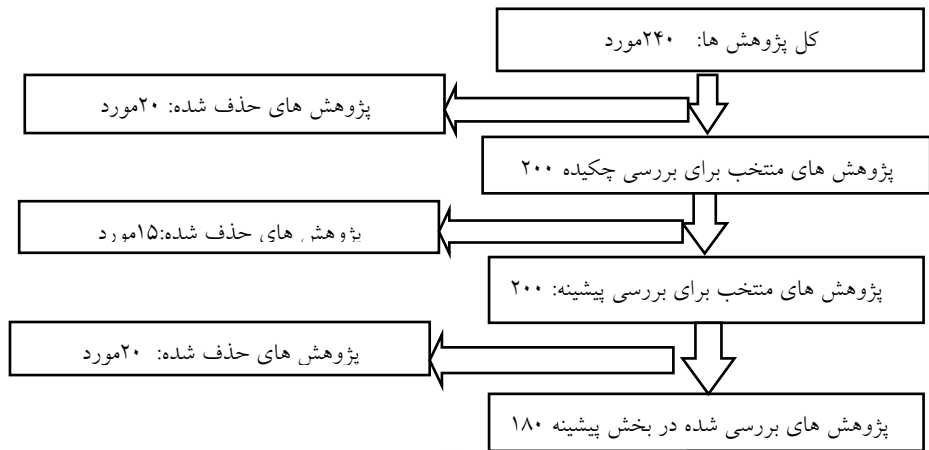
جدول ۲- نحوه جستجو و استراتژی‌های گزارش‌دهی

فراوانی	کلمات کلیدی	پایگاه داده	زبان
	literary value artistic value, intellectual value, literary merit, literary sense, deep value, educated estimate, and literary quality, literary measures, education, textbook, High School	Wos Scopus IEEE Scholar	English
	«ارزش ادبی»، ادبیات متون، نقد ادبی، کتاب‌درسی، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان، ادبیات فارسی و دوره متوسطه	مگیران نورمگز سیویلیکا ایرانداک	فارسی

1. Subject area
2. Date range (inclusive)
3. Document type
4. Access type
5. Peer-review Journals



شایان ذکر است که یک متخصص برنامه درسی اعتبار روش های طبقه بندی مقالات را ارزیابی کرده است.



نمودار ۱ - روش انتخاب مقالات مرتبط

مرحله سوم: ارزیابی کیفیت

به منظور حصول اطمینان از کیفیت جستجو، تصمیم گرفته شده که مفاهیم منتخب واضح و روشن و بیش از حد گسترده یا محدود نباشند. علاوه بر این، سعی شد املای متناوب کلمات، مترادف و اختصارات آنها در نظر گرفته شود.

مرحله چهارم: تجزیه و تحلیل تلفیق

در این قسمت مضامین استخراج شده در مراحل قبلی دسته بندی شد و موارد مشابه در طبقات جدید قرار گرفت تا مولفه های سنجش ارزش ادبی کتب ادبیات فارسی را تشکیل دهند.

مرحله پنجم: اعتباریابی یافته های فراترکیب

فراترکیب گران می بایست از آغاز تا انجام فرایند، در اندیشه راهکارهای مناسب به منظور ارتقای اعتبار پژوهش خود باشند. سندلوفسکی و باروسو (2007) چهار نوع اعتباریابی را برای فراترکیب معرفی می کنند:

اعتباریابی توصیفی^۱: شناسایی تمامی گزارش های مرتبط و تشخیص مشخصه های هر گزارش. اعتباریابی تفسیری^۱: ارائه تمام و کمال ادراک و نقطه نظرات محققان از گزارش ها.

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ...

اعتباریابی نظری^۲: اعتبار روش‌هایی که فرا ترکیب‌گر به‌منظور یکپارچه‌سازی و تفسیر یافته‌های پژوهشی توسعه داده و به کار می‌برد.

اعتباریابی پراگماتیک^۳: به معنای سودمندی، قابلیت انتقال دانش، کاربردی‌بودن و مناسب‌بودن فراترکیب.

فرایندهایی که منجر به ارتقای اعتبار فراترکیب‌های کیفی شده است را می‌توان در جدول شماره ۳ به طور خلاصه بیان کرد:

جدول ۳- فرایند ارتقای اعتبار فراترکیب‌های کیفی

فرایندها	نوع اعتباریابی
ارتباط با نویسندگان مطالعات اولیه	توصیفی - تفسیری
مشورت با کتابدار مرجع	توصیفی
مشورت با متخصص پژوهش‌های فراترکیب	نظری
جستجوی مستقل منابع حداقل توسط دو بازنگر	توصیفی
ارزیابی مستقل هر گزارش حداقل توسط دو بازنگر	توصیفی - تفسیری
جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به‌منظور بحث درباره نتایج جستجوها و شکل‌دهی و اصلاح راهبردهای جستجوی منابع	توصیفی
جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به‌منظور بحث درباره نتایج ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری درباره راهبردهای ارزیابی مطالعات	توصیفی - تفسیری
جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به‌منظور تثبیت حوزه‌های مورد توافق و مذاکره درباره حوزه‌ها و موارد شامل اختلاف نظر تا رسیدن به اجماع	توصیفی - تفسیری - نظری

مرحله ششم: ارائه یافته‌ها

مرحله ترکیب یافته‌ها، با یافتن استعاره‌ها^۴ و مفاهیم اصلی هر گزارش و مقایسه آن با سایر استعاره‌ها یا مفاهیم همان گزارش یا دیگر گزارش‌ها انجام شد.

2. Interpretive
3. Theoretica
4. Pragmatic
1. Metaphors

یافته‌ها

پژوهش حاضر به منظور طراحی چارچوب مفهومی به منظور سنجش ارزش ادبی متون کتاب‌های درسی دوره اول متوسطه انجام گرفته است که شامل دو جدول شماره ۴، که در آن مجموعه مضامین به همراه استنادات مربوط به هر یک از آنها قید شده است، و جدول شماره ۵ که به شبکه مضامین چهارچوب مفهومی سنجش ادبی پرداخته است می‌باشد. جدول شماره ۴ مضامین مرتبط با ویژگی‌های بلاغی متن ادبی، که بیشتر مؤثر از نقد فرمالیستی متون ادبی و نظریه لیچ است، استخراج شد.

جدول ۴- مضامین پایه مرتبط با ویژگی‌های بلاغی متن ادبی کتب درسی و منابع آن

مضامین پایه	منابع
گریز از قواعد نحوی زبان هنجار/ گریز از آرایش واژگانی بی‌نشان زبان/ حذف یا کاربرد نامتعارف عناصر زیبایی/ حذف ارکان جمله/ جابه‌جایی ارکان جمله/ کاربرد متفاوت صفت اشاره / کاربرد گوناگون حرف را/ کاربرد فعل به صورت مفعول مطلق عربی/ مطابقت صفت و موصوف در جمع/ تکرار یک نقش دستوری/ ترکیب مقلوب و صنفی / جان‌نشین ساختن صفت به جای موصوف/ نسوآوری در سطح واژگانی/ ساخت واژه جدید/ خلق ترکیب‌های ساده و بی‌سابقه/ ترکیب‌های مقلوب / استفاده از واژه‌های روزمره/ تکرار واژه در ترکیب‌سازی/ افزودن پسوندد صفت‌ساز به اسم و صفت/ افزودن/ پسوند مکان به اسم/ افزودن پسوند یا شبه‌پسوند صفت‌ساز و قیدساز/ افزودن پسوند مکان و زمان بدون نیاز به آنها	Shafiei kadmeh, 2001:9-8; Mohammadi nasab, 2015; Mousavi, 2020; Sadri, 2020; Rezayian, 2018; Niknam, 2020; Mohseni, 2020; Samimi far, 2017; Dehghani, 2017; Mansori, 2019; Razmjo et.al, 2022; Banitalebi, 2015; Ali abassabadi, 2019:26; Bahrami, 2020; Shamsedini, 2020.
حذف حرفی از حروف کلمه/ ادغام/ اشباع حرکت‌ها و/ مصوت‌ها/ تسکین/ تشدید م مخفف/ جابه‌جایی/ افزایش/ تسکین	Wallek & Warren, 1956 :245-242; Vanpeer, 2008 :4-3; Shafiei kadmeh, 2001:9-8; Mohammadi Nasab, 2015; Mosavi, 2019; Sadri, 2019; Rezayian, 2018; Niknam, 2019; Mohseni, 2019; Samimi far, 2017; Dehghani, 2017; Mansori, 2019; Razmjo et.a, 2021; Banitalebi, 2016; Ali abassabadi, 2019:26; Bahrami, 2021; Shamsedini, 2021; Mahmodi, 2012; Dehghani, 2014; Ahmad goli et.al, 2017; Fotohi, 2008; Burni, 2008; Mahmodi, 2012; Mouran, 1972 :87; Karol, 1991; Haj Momen et.al, 2015; Vanels, 1999, Rashid abadi & GHolamhosain, 2014; Wallek & Warren, 1956. Dallas News Ibanez, 2019; Soltan Mohammadi, Norian&Toghyani, 2018; Dad, 2016; Abad, 2000; Burni, 2008; Zyngier, 2008; Ahmad goli&manavi, 2017; Sarli, Bayat, Retvan GHiasvand, 2019; Karen et.al, 2003; Wallek, 1973; Wallek & Warren,

1956; Hal, 1963; Dad, 2016; Wallek & Warren, 1956; Eigelton, 1986; Jabri, 2012; Rahim Beigi, 2016; Fotuhi Rodmajeni, 2018; SHafiei kadmeh, 2001:9-8; Mohammadi nasab, 2015; Mousavi, 2000; Sadri, 2000; Rezayian, 2018; Niknam, 2000; Mohseni, 2000; Samimi far, 2017; Dehghani, 2017; Mansori, 2018; Razmjo et.al, 2023; Banitalebi, 2016; Ali Abassabadi, 2019; Bahrami, 2021; Shamsedini, 2021. Hajmomen, 2015; Gholizadeh, 2014; Easthope, 2008; Makkaric, 1993 :61; Fotuhi Rodmajeni, 1397; Frik, 2000 :191; Rahim Baigi, 2016; Martindal, 2008; Sartet, 1963; Danto, 2006; Kroche, 1993; Jabri, 2012; Ahmad goli et.al, 2017; Naseri Tazeshahri, Torkashvand, Mohammadi Poya, 2016; Habib, 2011 :283; Radi, 2014; Kazazi, 2021:14; Zareei, 2021; Vanpeer, 2008; Satish Reddy, 2021; Mouran, 1972; Kosh, 2021; Dewey, 2014; Mohseni, 2021; Fagan, 1964; Young et.al, 2009; fesmire, 1937; Janson, 1993; werhane, 1999; Young & Annisette, 2009; Pourhosseini, sajadi & Emani, 2014; Bersler, 2007; Teodor, 1986 Kebkio, 2014; Vanpeer, 2008; Wallek & Warren, 1956; Wallek & Warren, 1956; Fotuhi & Abassi, 2005; Gorak, 2008; Olsen, 2008; Kits, 2009:36; Lamark, 2014; Lamark, 2014; Zaphof, 2001; Baumbach et.al, 2009; Gant Maki & Lops, 2001; Dehghani, 2014; Jabri, 2012; Kondera, 1986; Daymen, 1993; Ftouhi, 2008; Bakhshi, 2019; Poyande, 2019; Lamark 2008; 1996; Gant, 2001; Karen et.al, 2003; Veorla, 2015; Foster, 1967; Teodor, 1986; Kebkio 201; Lerner, 2008; Vanpeer, 2008; Safavi, 2012; Hajmomen, 2015; Zarei, Jafari Kamangar, 2021; Nosrati, 2012; Ansari, 2013; Khabazi Hashemi, Mohammad Poor, 2016; Shafei Kadkani, 2001; Mohammadi nasab, 2015; Mosavi, 2020; Sadri, 2020; Rezayian 2018; Niknam, 2020; Mohseni, 2020; Samimi Far, 2017; Dehghani, 2017; Mansori, 2019; Razmji et.al, 2022; Banitalebi, 2016; Ali Abassabadi, 2019; Bahrami, 2021; Shamsedini, 2021.

استفاده از تخیل / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف مجاز / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف تشبیه / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف استعاره / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف کنایه / حیوان‌پنداری / گیاه‌پنداری / شیء‌انگاری (جسم‌پنداری) / تشخیص (انسان‌انگاری) / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف مراعات و نظیر / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف ایهام / بهره‌گیری از گونه‌های مختلف تلمیح / پارادوکس یا متناقض‌نما / نماد

Samimi Far, 2017; Dehghani, 2017; Mansori, 2019; Razmjo et.al, 2022;

شعرنگاره / دیداری نمودن شعر / به‌هم‌خوردن طول و عرض



- ابیات که خاص شعر نو است. / تغییر اندازه حروف کلمات
 Banitalebi, 2016; Ali abassabadi, 2019 ; Bahrami, 2021; Shamsedini, 2021; Shafei Kadkani, 2001; Mohammadi Nasab, 2015; Mousavi, 2000; Sadri, 2000; Rezayian, 2018; Niknam, 2000; Mohseni, 2000.
- استفاده از افعال قدیمی یا کم کاربرد/ به طور کلی
 باستان‌گرایی (آرکایزم)
 Mahmodi, 2012; Mouran, 1972; Rashid abadi Gholamhosain Zadeh, 2014; Jabar nezad, 2005; Hidari, 2014; Mohammadi Fesharaki & Mahmodi, 2012; Fotuhi, 2008; Wallek & Warren, 1956; Khanlari, 1953; Fagan, 1964; Banitalebi, 2016 ; Ali Abasabadi, 2019; Bahrami, 2021; Shamsedini, 2021; Shafeie Kadkani, 2008 ; Mohammadi nasab, 2015; Mousavi, 2020 ; Sadri, 2020; Rezayian, 2018; Niknam, 2020 ; Mohseni, 2020; Samimi Far, 2017; Dehghani, 2016; Mansori, 2019; Razmjo et.al, 2022.
- توازن‌های حاصل از پی‌ریزی صامت‌ها و حروف و کلمات /
 انواع سجع / ترصیعات (هم‌حروفی‌ها) و موازنه‌ها، بدایع
 لفظی به طور کلی
 Niknam, 2020; Mohseni, 2020; Samimi Far, 2017; Dehghani, 2017; Mansori, 2018; Razmjo et.al, 2022; Shafie Kadkani, 2001; Mohammadi nasab, 2015; Mousavi, 2020; Sadri, 2020; Rezayian, 2018; Banitalebi, 2016; Ali abassabadi, 2019; Bahrami, 2021; Shamsedini, 2021.

جدول ۵ - شبکه مضامین چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی کتب ادبیات فارسی

مضمون فراگیر	مضمون پایه (ابزار سنجش)	سازمان‌دهنده سطح ۱	
		سازمان‌دهنده سطح ۲	
	گریز از قواعد نحوی زبان هنجار		
	گریز از آرایش واژگانی بی‌نشان زبان		
	حذف یا کاربرد نامتعارف عناصر زبانی		
	حذف ارکان جمله		
	جابه‌جایی ارکان جمله	هنجارگریزی نحوی	
	کاربرد متفاوت صفت اشاره		
	کاربرد گوناگون حرف را		
	کاربرد فعل به صورت مفعول مطلق عربی		
	مطابقت صفت و موصوف در جمع		
	تکرار یک نقش دستوری		
	ترکیب مقلوب وصفی		
	جانشین ساختن صفت به جای موصوف		

مضمون فراگیر	سازمان دهنده سطح ۲	سازمان دهنده سطح ۱	مضمون پایه (ابزار سنجش)
ارزش ادبی کتب ادبیات فارسی	قاعده کاهی (هنجارگریزی)	هنجارگریزی واژگانی	نوآوری در سطح واژگانی / ساخت واژه جدید استفاده از واژه‌های روزمره تکرار واژه در ترکیب‌سازی افزودن پسوند صفت‌ساز به اسم و صفت افزودن پسوند مکان به اسم افزودن پسوند یا شبه پسوند صفت‌ساز و قیدساز افزودن پسوند مکان و زمان بدون نیاز به آنها حذف حرفی از حروف کلمه ادغام اشباع حرکت‌ها و مصوت‌ها تشدید، مخفف جابه‌جایی افزایش کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند تسکین استفاده از تخیل مجاز بهره‌گیری از گونه‌های مختلف تشبیه بهره‌گیری از گونه‌های مختلف استعاره بهره‌گیری از گونه‌های مختلف کنایه حیوان‌پنداری گیاه‌پنداری شیء پنداری تشخیص (انسان‌نگاری) بهره‌گیری از گونه‌های مختلف مراعات و نظیر بهره‌گیری از گونه‌های مختلف ایهام



مضمون	سازمان دهنده	سازمان دهنده سطح ۱	مضمون پایه (ابزار سنجش)
فراگیر	سطح ۲		
		هنجارگریزی نوشتاری	بهره‌گیری از گونه‌های مختلف تلمیح متناقض‌نما یا پارادوکس نماد شعر نگاره دیداری نمودن شعر به هم خوردن طول و عرض ابیات که خاص شعر نو است تغییر اندازه حروف کلمات بامستان‌گرایی (آرکایزم) توازن‌های حاصل از پی‌ریزی صامت‌ها و حروف و کلمات انواع سجع بدایع لفظی به‌طور کلی ترصیعات (هم‌حروفی‌ها) و موازنه‌ها
قاعده‌افزایی (هنجارافزایی)	هنجارافزایی واژگانی		

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ادبیات فارسی بر اساس نظریه فرمالیسم، به شناسایی و دسته‌بندی دقیق مضامین پایه، سازمان‌دهنده‌ها و مضمون فراگیر در ارزیابی متون پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متون کتب درسی ادبیات فارسی در سطوح مختلف بلاغی از هنجارگریزی و هنجارافزایی بهره‌مند هستند. این ویژگی‌ها، نه تنها غنای ادبی متون را افزایش می‌دهند، بلکه درک و یادگیری دانش‌آموزان را در سطوح مختلف شناختی تقویت می‌کنند. در این پژوهش، تحلیل محتوای متون ادبیات فارسی دوره متوسطه اول نشان داد که مؤلفان این کتب از الگوهای مختلف هنجارگریزی و هنجارافزایی بهره برده‌اند. این ویژگی‌ها که در نظریه فرمالیسم به‌عنوان شاخص‌هایی از ارزش بلاغی و ادبی یک متن شناخته می‌شوند، در جنبه‌های زیر قابل بررسی است.

در رابطه با هنجارگریزی نحوی، به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم در ارزیابی ارزش ادبی

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ...

متون، به معنای انحراف آگاهانه از قواعد دستوری متعارف زبان تعریف می‌شود. تحلیل متون کتب درسی ادبیات فارسی نشان داد که این ویژگی در قالب‌های مختلفی مانند حذف یا جابه‌جایی ارکان جمله، کاربرد متفاوت صفت‌های اشاره، و تغییرات در جایگاه و نقش حروف اضافه همچون «را» به کار رفته است. یکی از روش‌های شاخص، حذف ارکان جمله است که از طریق ارائه جملاتی ناقص اما معنادار، خواننده را به تأمل بیشتر در لایه‌های پنهان معنا دعوت می‌کند. برای مثال، عبارت «چون شب شد» به جای جمله کامل «چون شب شد، هوا سرد شد» نوعی ایجاز ادبی و بلاغی را به نمایش می‌گذارد. این شیوه نه تنها زبان را از کلیشه‌های متعارف فاصله می‌دهد، بلکه با تحریک خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان، آن‌ها را به کشف معنای ضمنی متن ترغیب می‌کند. همچنین، جابه‌جایی ارکان جمله با ایجاد تغییری ظریف در ساختار معمول زبان، بر برخی واژه‌ها و مفاهیم تأکید کرده و غنای زبانی متن را ارتقا می‌دهد. برای مثال، جمله «او را دیدم» به جای «دیدم او را»، از طریق این جابه‌جایی ساده، حس شاعرانه و زیبایی بصری خاصی به متن می‌بخشد.

کاربردهای نوآورانه در صفت‌های اشاره و حروف اضافه نیز از دیگر مصادیق هنجارگریزی نحوی در این متون است. تغییر معنایی و نحوی این عناصر، همچون استفاده غیرمعمول از صفت اشاره در عبارت «آن گاه» به جای «سپس»، یا تغییر جایگاه حرف «را»، علاوه بر ایجاد ریتم و جذابیت، دانش‌آموزان را با امکان‌های کمتر شناخته‌شده زبان آشنا می‌کند. به‌طور کلی، این قاعده‌کاهی‌ها و نوآوری‌ها در متون درسی، راهبردی هدفمند برای تلفیق آموزش و خلاقیت زبانی به شمار می‌روند. بررسی‌ها نشان داد که این گونه از هنجارگریزی نحوی نه تنها موجب افزایش زیبایی‌شناسی و برجستگی متن می‌شود، بلکه بستر مناسبی را برای توسعه مهارت‌های زبانی، تفکر انتقادی، و خلاقیت ادبی دانش‌آموزان فراهم می‌سازد. در عین حال، چنین رویکردی باعث می‌شود دانش‌آموزان به شکلی فعالانه‌تر با ظرایف زبانی و بلاغی آشنا شوند و نقش زبان در تولید معنا را بهتر درک کنند. این یافته‌ها، بر اهمیت بازنگری در محتوای کتب درسی ادبیات فارسی با تأکید بر افزایش بهره‌گیری از هنجارگریزی‌های زبانی و ادبی تأکید دارند. به کارگیری آگاهانه این رویکردها، می‌تواند به غنی‌سازی تجربه آموزشی و همچنین ترویج نگاه خلاقانه به زبان و ادبیات در نظام آموزشی منجر شود.

همچنین در رابطه با مضمون دیگر هنجارگریزی واژگانی به عنوان یکی از راهبردهای برجسته در ارتقای ارزش ادبی متون درسی، از طریق نوآوری در سطح واژگان و خلاقیت زبانی، به برجسته سازی و جلب توجه خواننده کمک می کند. این نوع هنجارگریزی، از طریق روش هایی نظیر ایجاد واژه های جدید، استفاده از واژه های روزمره، تکرار واژه ها، و ساخت ترکیبات نو تحقق یافته است. به عبارتی یکی از ویژگی های شاخص این نوع هنجارگریزی، ایجاد واژه های جدید از طریق افزودن پسوند های صفت ساز، قید ساز، یا مکان ساز است. برای مثال، واژه «دریازده» با افزودن پسوند «زده» ساخته شده و نشان دهنده نوآوری در بهره گیری از امکانات زبانی است. این رویکرد، نه تنها زبان را از یکنواختی می رها کند، بلکه دانش آموزان را با انعطاف پذیری و قابلیت گسترش زبان فارسی آشنا می کند. استفاده از واژه های روزمره یکی دیگر از روش های قابل توجه است که از طریق ترکیب واژه های عامیانه یا محاوره ای با واژه های رسمی، حسی از صمیمیت و نزدیکی به متن ایجاد می کند. این رویکرد به دانش آموزان کمک می کند تا از مرزهای زبانی رایج عبور کرده و لایه های جدیدی از معنا را کشف کنند. و تکرار واژه ها نیز به عنوان روشی بلاغی برای تأکید و ایجاد موسیقی درونی در متن به کار رفته است. به عنوان مثال، عبارت «باغ باغ شکوفه ها» از طریق تکرار واژه «باغ» تأثیری ریتمیک و هنری بر مخاطب می گذارد. این نوع از هنجارگریزی نه تنها بر زیبایی شناسی متن می افزاید، بلکه مهارت های شنیداری و توجه به ظرایف زبانی را در مخاطب تقویت می کند. در نهایت، ساخت ترکیبات نو از طریق استفاده از واژگان در ساختارهای نامتعارف، نظیر عبارت «دیده خسته»، نشان دهنده خلاقیت در استفاده از ظرفیت های زبان است. این رویکردها موجب ایجاد غنای واژگانی و برجسته سازی پیام در متن می شوند. به طور کلی، نوآوری های واژگانی مانند ترکیب سازی های جدید، تکرار واژه ها، و استفاده از پسوند های متنوع، حس زبانی نوینی را در متون درسی ادبیات فارسی ایجاد کرده است. این ویژگی ها نه تنها باعث ارتقای کیفیت زبانی متون شده اند، بلکه در ایجاد جذابیت و تقویت تفکر خلاق در دانش آموزان نیز نقشی مؤثر داشته اند.

در این رابطه لازم به ذکر است در متون درسی ادبیات فارسی، هنجارگریزی واژگانی به عنوان یکی از ابزارهای خلاقیت زبانی، بستر مناسبی را برای توسعه درک زبانی و زیبایی شناسی ادبی فراهم کرده است. این رویکردها علاوه بر آموزش مهارت های زبانی،

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ...

دانش‌آموزان را به کشف ظرفیت‌های خلاقانه زبان فارسی و تعامل عمیق‌تر با متون ادبی تشویق می‌کند. بهره‌گیری هدفمند از این نوآوری‌ها در تدوین کتب درسی می‌تواند تجربه یادگیری را غنی‌تر و جذاب‌تر سازد و همچنین تفکر انتقادی و مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان را تقویت کند.

در ارتباط با مضمون سوم هنجارگریزی آوایی نیز لازم به ذکر است که به‌عنوان یکی از روش‌های برجسته برای تقویت جذابیت شنیداری و غنای موسیقایی متن، در متون کتب درسی ادبیات فارسی به کار گرفته شده است. این نوع هنجارگریزی، از طریق تغییرات در صداها و حروف، نقش مهمی در ارتقای زیبایی‌شناسی زبانی ایفا می‌کند و دانش‌آموزان را با ابعاد صوتی و ریتمیک زبان آشنا می‌سازد. یکی از روش‌های شاخص در این حوزه، حذف یا ادغام حروف است. این تکنیک با حذف یک حرف یا ادغام دو حرف، به ساده‌سازی صوتی و افزایش روانی متن کمک می‌کند. برای مثال، استفاده از واژه «بهر» به‌جای «برای» نشان‌دهنده تلاش برای بهینه‌سازی ریتم و آهنگ متن است. این تغییرات، علاوه بر تسهیل خوانش، جذابیت صوتی متن را افزایش می‌دهند. تشدید یا تخفیف اصوات نیز به‌عنوان یکی دیگر از راهکارهای برجسته، با دو برابر کردن صامت‌ها یا کاهش شدت آنها، به برجسته‌سازی صوتی متن کمک می‌کند. برای مثال، در عبارت «خنده‌های خُرد»، استفاده از تشدید بر روی صدای «خ» باعث ایجاد تأکید و زیبایی شنیداری خاصی می‌شود که درک لحن و حس متن را برای خواننده آسان‌تر می‌سازد. تغییر طول مصوت‌ها یکی دیگر از روش‌های به‌کاررفته در هنجارگریزی آوایی است که از طریق کوتاه کردن یا کشیده کردن صداها، آهنگ متن را تغییر داده و بر لذت شنیداری می‌افزاید. برای مثال، در عبارت «در این خزانِ شوق»، کشیدگی مصوت «ا» در کلمه «خزان» موجب ایجاد ریتم خاص و هماهنگی موسیقایی در متن می‌شود. به‌طورکلی، تغییرات صوتی همچون حذف یا افزودن حروف، تشدید یا تخفیف اصوات، و تغییر طول مصوت‌ها، در متون مورد بررسی نقشی مؤثر در آهنگین کردن، روانی، و تقویت تأثیر عاطفی متن ایفا کرده‌اند. این ویژگی‌ها با تحریک حس شنیداری مخاطب، به تجربه‌ای عمیق‌تر از متن منجر می‌شوند و اهمیت صوت در انتقال معنا و پیام را برجسته می‌سازند.

در متون درسی ادبیات فارسی، هنجارگریزی آوایی به‌عنوان روشی هدفمند برای ایجاد جذابیت شنیداری و افزایش غنای موسیقایی متن استفاده شده است. این رویکرد با بهره‌گیری از

ظرفیت‌های صوتی زبان، نه تنها زیبایی متن را افزایش داده، بلکه دانش‌آموزان را با ابعاد مختلف ریتم، آهنگ، و موسیقی در زبان آشنا کرده است. استفاده آگاهانه و خلاقانه از این تکنیک‌ها در کتب درسی می‌تواند به غنی‌تر شدن تجربه یادگیری دانش‌آموزان، ایجاد ارتباط عاطفی عمیق‌تر با متن، و همچنین تقویت مهارت‌های زبانی و بلاغی آن‌ها کمک کند.

هنجارگرایی معنایی یکی از برجسته‌ترین روش‌های خلق زیبایی و غنای فکری در متون درسی ادبیات فارسی است. این نوع هنجارگرایی با تکیه بر خلاقیت در معنا و تصویرسازی، مخاطب را به تجربه‌ای عمیق‌تر از مفاهیم و احساسات نهفته در متن دعوت می‌کند. از جمله ویژگی‌های این نوع هنجارگرایی، استفاده گسترده از تخیل، انسان‌انگاری، متناقض‌نما، و ابهام و تلمیح است که به‌طور هوشمندانه در متون درسی گنجانده شده‌اند. استفاده از تخیل یکی از مهم‌ترین عناصر هنجارگرایی معنایی است که از طریق بهره‌گیری از صنایع ادبی همچون استعاره، تشبیه، مجاز، و کنایه عمق معنایی متون را به نمایش می‌گذارد. برای مثال، در عبارت «دریا خروشان بود، چون غضب آسمان»، استفاده از تشبیه و مجاز، تصویری زنده و تأثیرگذار از طبیعت را در ذهن مخاطب می‌آفریند و به تقویت تخیل دانش‌آموزان کمک می‌کند. انسان‌انگاری (تشخیص) یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته این نوع هنجارگرایی است که با نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به اشیاء یا موجودات، متن را به‌لحاظ عاطفی و تصویری غنی‌تر می‌کند. برای مثال، در عبارت «دیوارهای خانه گوش داشتند»، این تکنیک به تجسم معنایی عمیق‌تر و ایجاد حس هم‌ذات‌پنداری با متن کمک می‌کند. متناقض‌نما (پارادوکس) نیز به‌عنوان ابزاری برای تحریک ذهن مخاطب و ایجاد پیچیدگی معنایی، به‌کار رفته است. عباراتی نظیر «سکوتی پر از فریاد»، نه تنها خواننده را به تأمل بیشتر وامی‌دارد، بلکه به لایه‌های پنهان معنایی متن عمق می‌بخشد. ابهام و تلمیح از دیگر روش‌های به‌کاررفته در هنجارگرایی معنایی هستند که با ایجاد چندلایگی در معنا و ارجاع‌های بینامتنی، جذابیت و انسجام متون درسی را افزایش می‌دهند. این ویژگی‌ها، زمینه‌های ادراکی مخاطب را به چالش کشیده و از او می‌خواهد برای درک پیام متن، فراتر از معنای ظاهری واژگان بیندیشد. به‌طور کلی، در هنجارگرایی معنایی، عناصری نظیر نمادپردازی، کنایه، و پارادوکس، عمق فکری و زیبایی‌شناسی متون را تقویت کرده و دانش‌آموزان را به کشف مفاهیم پیچیده و ظریف زبان فارسی ترغیب می‌کند.

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ...

در متون درسی ادبیات فارسی، هنجارگریزی معنایی به عنوان ابزاری قدرتمند برای ایجاد جذابیت، تعمیق فهم، و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان استفاده شده است. این روش‌ها نه تنها غنای معنایی متون را افزایش داده‌اند، بلکه زمینه‌ساز آموزش تفکر انتقادی و تقویت تخیل دانش‌آموزان نیز بوده‌اند. بهره‌گیری هدفمند از این نوع هنجارگریزی در کتب درسی می‌تواند تجربه یادگیری دانش‌آموزان را پویا و الهام‌بخش ساخته و درک آنان را از جنبه‌های ظریف و پیچیده زبان و ادبیات فارسی بهبود بخشد.

همچنین راجع به هنجارگریزی نوشتاری به عنوان مضمون سازمان دهنده دیگر به عنوان یکی از روش‌های خلاقانه‌ای است که در متون شعرمحور یا شعرگونه کتب درسی ادبیات فارسی به کار گرفته شده است. این نوع هنجارگریزی با بهره‌گیری از نوآوری‌های بصری، نه تنها به جذابیت متن می‌افزاید، بلکه تأثیری عمیق در جلب توجه و افزایش درگیری مخاطب با متن دارد. یکی از تکنیک‌های برجسته در این حوزه، شعر نگاره است. این روش با استفاده از فرم‌های نوشتاری خلاقانه، ساختار متن را به صورت دیداری جذاب می‌کند. تغییر اندازه حروف، برجسته‌سازی عنوان‌ها، و به هم ریختگی ساختار بیت‌ها از جمله ویژگی‌هایی هستند که در این روش مشاهده می‌شوند. برای مثال، تغییر اندازه حروف در عنوان‌ها می‌تواند توجه بصری دانش‌آموزان را به موضوعات اصلی جلب کند و حس پویایی را در متن ایجاد کند. علاوه بر این، تغییر در طول و عرض ابیات، که گاه با شکست قالب‌های سنتی همراه است، نقش مؤثری در ارتقای زیبایی‌شناسی متن و جذابیت آن برای دانش‌آموزان دارد. هنجارافزایی واژگانی، برخلاف هنجارگریزی، به تقویت قواعد زبانی و افزودن ساختارهای جدید می‌پردازد. این نوع از آفرینش زبانی با بهره‌گیری از توازن‌های صوتی، مانند ایجاد سجع و موازنه، موسیقی متن را غنی کرده و به لذت شنیداری مخاطب می‌افزاید. عباراتی مانند «شاد و شیدا» با ایجاد تکرار آوایی، علاوه بر معنای دلنشین، حسی از هماهنگی و آهنگین بودن را در متن ایجاد می‌کنند. از دیگر ویژگی‌های هنجارافزایی واژگانی می‌توان به بدایع لفظی اشاره کرد. در این روش، استفاده از ترصیعات، هم‌حروفی‌ها، و ساختارهای زبانی متقارن، متن را از نظر بلاغی غنی‌تر و جذاب‌تر می‌کند. این نوع تقویت زبانی نه تنها زیبایی‌شناختی متن را افزایش می‌دهد، بلکه خواننده را به تحسین و درک عمیق‌تری از ظرایف زبانی دعوت می‌کند. در متون درسی ادبیات فارسی، هنجارگریزی نوشتاری و هنجارافزایی واژگانی به عنوان دو رویکرد مکمل در خلق زیبایی و

غنای بلاغی، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. این ویژگی‌ها با تقویت جنبه‌های دیداری و شنیداری متن، علاوه بر افزایش جذابیت، بستر مناسبی را برای آموزش مهارت‌های زبانی و شناخت ظرایف ادبی فراهم می‌کنند. بهره‌گیری از این روش‌ها در متون درسی، توانایی دانش‌آموزان را در درک و تحلیل مفاهیم زبان و ادبیات فارسی ارتقا داده و به تقویت ذوق ادبی و خلاقیت آنان کمک شایانی می‌کند.

یافته‌های فوق نشان می‌دهد که متون درسی ادبیات فارسی، هرچند به ظاهر ساده، حاوی غنای بلاغی و ادبی چشمگیری هستند. این امر نشان‌دهنده تلاش مؤلفان برای ترکیب آموزه‌های آموزشی با عناصر ادبی و هنری است. هنجارگرایی باعث جلب توجه دانش‌آموزان به لایه‌های پنهان زبان می‌شود، در حالی که هنجارافزایی انسجام و زیبایی کلی متن را تقویت می‌کند. در کتب درسی ادبیات فارسی مدارس، استفاده از تکنیک‌های هنجارگرایی و هنجارافزایی به‌عنوان دو رویکرد مکمل، تأثیر قابل‌توجهی بر غنای زبانی و جذابیت متون دارد. هنجارگرایی با ایجاد نوآوری در سطوح نحوی، واژگانی، آوایی، معنایی، و نوشتاری، مخاطب را به تأمل در ظرایف زبان و خلاقیت ادبی ترغیب می‌کند. در مقابل، هنجارافزایی با تقویت قواعد و افزودن ساختارهای جدید، بر زیبایی‌شناسی و موسیقی متن می‌افزاید. این ویژگی‌ها، از حذف ارکان جمله و تغییر ساختارهای دستوری گرفته تا بهره‌گیری از تخیل و تصویرسازی و همچنین تقویت موسیقی درونی از طریق سجع و بدایع لفظی، نه تنها به غنی‌سازی متون کمک می‌کنند بلکه دانش‌آموزان را به درگیری فعال با مفاهیم زبانی و ادبی تشویق می‌کنند. این شیوه‌ها، با تقویت ذوق ادبی و مهارت‌های تحلیلی، بستری مناسب برای آموزش عمیق‌تر و جذاب‌تر ادبیات فارسی در مدارس فراهم کرده‌اند. در نهایت این یافته‌ها می‌توانند معیارهایی علمی برای طراحی و بازنگری متون آموزشی ارائه دهند، به‌ویژه با هدف تعمیق فهم دانش‌آموزان از ادبیات و تشویق آن‌ها به خلاقیت و تفکر انتقادی. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود چارچوب مفهومی ارائه‌شده بر اساس نظریه فرمالیسم به‌عنوان معیاری جامع برای ارزیابی و بهینه‌سازی متون درسی ادبیات فارسی مورد استفاده قرار گیرد. به‌منظور کاربرد عملی این چارچوب، گام‌های زیر پیشنهاد می‌شوند:

طراحی چارچوب مفهومی سنجش ارزش ادبی (بلاغی) متون کتب درسی ...

۱. بازنگری محتوای کتب درسی: تقویت و هدفمندسازی استفاده از هنجارگریزی و هنجارافزایی در متون، به‌ویژه برای ارتقای خلاقیت زبانی، تخیل، و تفکر انتقادی دانش‌آموزان.

۲. آموزش معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی: برگزاری کارگاه‌های تخصصی برای آشنایی معلمان با تکنیک‌های بلاغی و شیوه‌های آموزش جذاب این ویژگی‌ها.

۳. گسترش تحقیقات میان‌رشته‌ای: توسعه این رویکرد به سایر مقاطع تحصیلی، رشته‌های مرتبط، و بررسی تأثیر آن بر رشد مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموزان.

۴. نظارت و ارزیابی مستمر: ایجاد تیم‌های تحقیقاتی تخصصی برای پایش و اصلاح متون درسی با هدف حفظ تعادل بین اهداف آموزشی و جنبه‌های زیبایی‌شناختی متون.

این پیشنهادات با تکیه بر اهمیت هنجارگریزی در ایجاد جذابیت و هنجارافزایی در تقویت انسجام متون، گامی عملی برای غنی‌سازی آموزش ادبیات فارسی است و می‌تواند به ارتقای کیفیت یادگیری و پرورش ذوق ادبی در دانش‌آموزان منجر شود.

References:

- Abad, M., et al. (2019). Analytical criticism of "Literature" in Chakama's Laghzram 1962 by Khalil Mhawwi. *Arabic Language and Literature*, 12(1), 33–59.
- Abdi, A., et al. (2007). The position of national identity in high school history textbooks. *National Studies Quarterly*, 9(3), 7–53.
- Ahmed Goli, et al. (2016). The role of aesthetics in selecting editions of Ferdowsi's Shahnameh. *Research Quarterly on Editions of Persian Poetry and Prose Texts*, 2(3), 23–62.
- Alizadeh Mersht, M., et al. (2019). Critical analysis of the form and content of poems in Persian high school textbooks. *Critical Research on Humanities Texts*, 20(4), 343–361.
- Ansari, S. (2012). Examining the level of emphasis on imagination in second-grade textbooks (Master's thesis). Boali University of Hamedan.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385–405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Aali Abbasabadi, Y. (2018). Pictorialist historian or formalist poet. Nosh Ghatre.
- Ahmadi, B. (2018). Structure and interpretation of the text (21st ed.). Nashr-e Markaz.
- Alavi Moghadam, M. (1998). Theories of contemporary literary criticism. Semit Publications.

- Bresler, C. (2007). An introduction to the theories and methods of literary criticism (M. Abedini Fard, Trans.). Nilufar Publications. (Original work published 1987).
- Bakhshi, A. (2018). A look at the presence of Islamic theology in middle school Persian textbooks. *Educational Innovations Quarterly*, 18(7), 45–60.
- Banitalebi, A. (2015). Norm deviation in Vis o Ramin by Fakhr al-Din As'ad Gorgani. *Journal of Literary Arts*, 8(3), 43–63.
- Baumbach, S. (Ed.). (2009). Literature and values: Literature as a medium for representing, disseminating and constructing norms and values. Wiss. Verlag Trier.
- Bahrami, L. (2021). Norm avoidance in Nizar Qabbani's poetry. *Proceedings of the International Conference on Literature and Linguistics*. Tehran University Press.
- Dewey, J. (2013). Art as experience (M. Alia, Trans.). Phoenix Publications. (Original work published 1934).
- Dehghani, N. (2015). Aesthetic elements in Nizami Ganjavi's Haft Paykar. *Literary Techniques*, 8(16), 205–218.
- Dehghani, Z. (2016). Analysis of de-normization in Qaiser Aminpour's poetry. *Persian Language and Literature Quarterly*, 46, 181–202.
- Eagleton, T. (2007). An introduction to literary theory (A. Mokhber, Trans.). Markaz Publishing. (Original work published 1986).
- Easthope, A. (1990). The question of literary value. *Textual Practice*, 4(3), 376–389. <https://doi.org/10.1080/09502369008582093>
- Fotuhi, M., & Abbasi, H. (2005). General Persian in academic literature. Sokhan Publications.
- Foster, F. P. (1967). Literature and the young child (EDRS No. 013322). New Jersey State Department of Education.
- Fricke, H. (2008). How scientific can literary evaluation be? In W. Van Peer (Ed.), *The quality of literature: Linguistic studies in literary evaluation* (pp. 215–230). John Benjamins.
- Fesharaki, M. (2009). Bayan. *Research Journal of Persian Language and Literature*, 1(2), 1–10.
- Fotuhi Roudmajni, M. (2017). Syntactic order and its role in speech literature. *Linguistic and Rhetorical Studies*, 9(18), 261–286.
- Gholamrezaei, M. (1998). *Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamlu*. Jami Publishing.
- Habib, M. R. (2011). *Literary criticism from Plato to the present: An introduction*. Wiley-Blackwell.
- Jamalzadeh, M. A. (2021). *Story writing* (A. Dehbashi, Ed.). Alam Publishing.

- Khabazi Kanari, M., et al. (2015). The role of imagination in teaching Persian literature. *Educational Innovation Quarterly*, 15(58), 25–40.
- Lamarque, P. (2008). *The philosophy of literature*. Wiley-Blackwell.
- Mansoor Pour, N. (2019). Analysis of non-normative types in Madhoosh Golpayegani's sonnets. *Literary Techniques*, 12(4), 57–72.
- Mekonen, Y. S., et al. (2022). Evaluating the suitability of literary texts in Grade 10 English textbooks. *European Journal of Natural and Social Sciences*, 11(3), 502–518.
- Mohammadi Pushharaki, M., et al. (2011). Prose style and literary values in Darabnameh. *Proceedings of the 6th National Literary Research Conference*.
- Mousavi, N. (2019). Highlighting language in Beyhaqi's history. *Linguistic Essays*, 11(1), 163–199.
- Nusrati, Z. (2011). *Imagination and reality in children's literature* [Master's thesis, Arak University].
- Olsen, S. H. (2008). Why Hugh Maccoll is not part of the literary canon. In W. Van Peer (Ed.), *The quality of literature: Linguistic studies in literary evaluation* (pp. 45–60). John Benjamins.
- Pourhosseini, M., et al. (2014). Implications of John Dewey's aesthetics for teaching and learning. *Research in School and Virtual Learning*, 2(7), 45–63.
- Razmjoo, M., et al. (2022). Deviance from norms in children's poetry. *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab)*, 15(79), 275–295.
- Reddy, B. S. (2021). Incorporating human values in literature. *International Journal of Multidisciplinary Educational Research*. <http://ijmer.in/pdf/e-certificate%20of%20publication-ijmer.pdf>
- Sandelowski, M., et al. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize findings. *Research in Nursing & Health*, 30(1), 99–111.
- Shamsaldini, H. (2021). Structural deviations in Attar Nishaburi's lyrical poems. *Literary Techniques*, 13(3), 123–146.
- Shamisa, S. (2016). *Literary criticism*. Mitra Publications.
- Tashakkori, A., & Creswell, J. W. (2007). The new era of mixed methods. *Journal of Mixed Methods Research*, 1(1), 3–7.
- Van Peer, W. (Ed.). (2008). *The quality of literature: Linguistic studies in literary evaluation* (Vol. 4). John Benjamins.
- Young, J. J., & Annisette, M. (2009). Cultivating imagination: Ethics, education, and literature. *Critical Perspectives on Accounting*, 20(1), 93–109.
- Zyngier, S. (2008). Macbeth through the computer: Literary evaluation and pedagogical implications. In W. Van Peer (Ed.), *The quality of literature: Linguistic studies in literary evaluation* (Vol. 4, Part II, Chapter 10). John Benjamins Publishing Company.